

هخامنشی‌گرایی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی حکومت محمدرضا شاه پهلوی

حمزه حسینی^۱ / محمدرضا علم^۲

چکیده

بررسی دوران ۳۷ ساله حکومت محمدرضا شاه پهلوی نشان می‌دهد که در میان ابعاد اندیشه باستان‌گرایی این حکومت، توجه، علاقه و دل‌بستگی به فرهنگ و تمدن هخامنشی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده است. این موضوع که از آن می‌توان به پدیده هخامنشی‌گرایی یاد کرد، بسیاری از سیاست‌ها و راهبردهای پهلوی دوم را تحت‌تأثیر قرار داد. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که محمدرضا شاه پهلوی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی خود چه رویکردی به تاریخ و تمدن هخامنشی داشته است؟ یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد محمدرضا شاه و کارگزاران فرهنگی‌اش سهم بسیار مهمی از سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی حکومت پهلوی دوم را به احیا و ترویج فرهنگ و تمدن هخامنشی در عرصه داخلی و خارجی اختصاص داده بودند. مهم‌ترین تجلیات هخامنشی‌گرایی فرهنگی، در عرصه‌هایی همچون هنر نمایش، موسیقی، ساخت و طراحی آثار و نمادهای هخامنشی؛ نام‌گذاری هخامنشی بر روی مکان‌ها، رویدادها و سال‌ها؛ برگزاری نمایشگاه‌ها، کنگره‌ها، مسابقات و جشن‌ها به مناسبت بزرگداشت و یادبود هخامنشیان؛ تألیف، ترجمه و چاپ کتاب و مقاله در مورد هخامنشیان و ابداع تقویم شاهنشاهی با مبدأ هخامنشی بروز و ظهور کرد. باید گفت برجسته کردن تمدن هخامنشی از سوی محمدرضا شاه و توجه و علاقه خاص وی از میان سلسله‌های باستانی ایران به هخامنشیان، به‌دلیل کارکرد پویا و بالنده میراث خوش‌نام و موردتحمید این حکومت در عرصه فرهنگی، دینی، سیاسی، هنری و... جهان معاصر بود که حکومت پهلوی با تبلیغ و ترویج آنها می‌توانست برای ارتقای جایگاه ایران و سلطنت خود در عرصه داخلی و مناسبات جهانی استفاده کند.

واژه‌های کلیدی: هخامنشیان، محمدرضا شاه پهلوی، فرهنگی، کوروش، باستان‌گرایی.

۱. پژوهشگر پسادکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
Hamzeh.hoseini 1366@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. mram36@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ نوع مقاله: پژوهشی

Achaemenidism in the Cultural Policymaking of Mohammad Reza Shah Pahlavi's Government

Hamzeh Hoseini^۱/ Mohammad Reza Alam^۲/

Abstract

An examination of the 37-year reign of Mohammad Reza Shah Pahlavi reveals that, among the dimensions of the ancient-oriented ideology of his government, attention, interest, and attachment to Achaemenid culture and civilization held a prominent position. This phenomenon, which can be referred to as Achaemenidism, significantly influenced many of the policies and strategies of the second Pahlavi era. Using a descriptive-analytical method, this article seeks to answer the question: What approach did Mohammad Reza Shah Pahlavi take toward Achaemenid history and civilization in his cultural policymaking? The findings of this study indicate that Mohammad Reza Shah and his cultural agents allocated a significant portion of the cultural policies and programs of the second Pahlavi government to the revival and promotion of Achaemenid culture and civilization, both domestically and internationally. The most prominent manifestations of cultural Achaemenidism appeared in areas such as performing arts, music, the creation and design of Achaemenid artifacts and symbols, the naming of places, events, and years after Achaemenid themes, the organization of exhibitions, congresses, competitions, and celebrations to commemorate the Achaemenids, the composition, translation, and publication of books and articles about the Achaemenids, and the establishment of the Imperial Calendar with an Achaemenid starting point. It can be said that Mohammad Reza Shah's emphasis on Achaemenid civilization and his particular interest in the Achaemenids among Iran's ancient dynasties stemmed from the dynamic and flourishing legacy of this well-regarded and celebrated empire in contemporary cultural, religious, political, and artistic spheres. By promoting and propagating these aspects, the Pahlavi government sought to enhance Iran's status and its own monarchy both domestically and in global relations.

Keywords: Achaemenids, Mohammad Reza Shah Pahlavi, Culture, Cyrus, Ancient-Oriented Ideology

1 . ostdoctoral Researcher, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran. (Responsible author)

2. Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.

مقدمه

اندیشه باستان‌گرایی نوعی نگرش ناسیونالیستی به دوران باستان است که تلاش دارد با احیای گذشته، نظام نوینی را بر اساس آن طراحی و ارائه دهد. این اندیشه در دوران قاجاریه در سایه برخورد ایران با تمدن غرب و پس از ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی ایران توسط تعدادی از متفکرین و اندیشمندان در ایران رواج پیدا کرد. پس از روی کار آمدن دولت پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴ش) باستان‌گرایی به یکی از اندیشه‌های مسلط در این حکومت برای ساخت دولت ملت مدرن ایران تبدیل شد و رضاشاه و محمدرضا شاه هر دو در جهت باستان‌گرایی با محورهای همچون احیای تمدن باستانی و بازگشت به آن و همچنین اسلام‌زدایی از جامعه ایران، برنامه‌ها و اقدامات زیادی را اجرا کردند. محمدرضا شاه پهلوی که بعد از استعفای پدر در شهریور ۱۳۲۰ ش. به سلطنت رسید، علاقه خاصی به ایران باستان و احیا و اشاعه ارزش‌های فرهنگی و تمدنی آن دوران نشان داده بود. این موضوع سبب گردید تا پدیده باستان‌گرایی به یک جریان مهم فکری در حکومت پهلوی دوم تبدیل شود و تأثیرات مهمی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و... جامعه ایران از خود به جا بگذارد. نگاهی به کارنامه ۳۷ ساله حکومت محمدرضا شاه پهلوی و واکاوی و تحلیل پندار، گفتار و رفتار وی نشان می‌دهد که او به دلایل مختلفی در میان حکومت‌های باستانی ایران، توجه و علاقه خاصی به دوره هخامنشی داشت. وی به سبب علاقه به دوره هخامنشی و اهداف و انگیزه‌های خاصی که در این موضوع دنبال می‌کرد، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات زیادی را برای احیا و ترویج فرهنگ و تمدن هخامنشی در سطوح مختلف جامعه ایران طراحی و اجرا کرد که جنبه و بعد فرهنگی آنها بسیار برجسته و قابل تأمل است. نظر به این اهمیت، هدف بنیادین این پژوهش بررسی و تحلیل جایگاه تاریخ و تمدن هخامنشی در عرصه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی محمدرضا شاه

پهلوی است. موضوع مورد مطالعه در این پژوهش از نوع موضوعات تاریخی است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و روش گردآوری داده‌ها از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای است؛ بنابراین، جامعه آماری بر اسناد و مدارک رسمی و غیررسمی مرتبط با هخامنشی‌گرایی تکیه دارد و تلاش شده است تا با استناد به منابع و اسناد موجود، روایتی از هخامنشی‌گرایی در سیاست‌گذاری فرهنگی حکومت پهلوی دوم ارائه شود.

پیشینه پژوهش

درباره پدیده هخامنشی‌گرایی محمدرضا شاه پهلوی در عرصه فرهنگی، در مباحث باستان‌گرایی به‌ویژه پژوهش‌های مربوط به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی مطالب مختلفی وجود دارد. مختار حدیدی (۱۳۷۷ش) در پژوهشی با عنوان «نگاهی به اسناد محرمانه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی؛ پهلوی دوم و نمونه اندیشه‌های باستان‌گرایی» به بعضی از اقدامات محمدرضا شاه در زمینه هخامنشی‌گرایی اشارات کوتاهی کرده است. میکائیل وحیدی‌راد (۱۳۹۸ش) در مقاله دیگر با عنوان «پیوستگی اقتصادی-سیاسی رویدادهای فرهنگی در عصر پهلوی دوم؛ جشن‌های ۲۵۰۰ ساله» خیلی مختصر و کوتاه به موضوع مذکور پرداخته است. حسن زندیه و علی قنواتی (۱۳۹۳ش) در پژوهشی با عنوان «بازتاب و پیامدهای خارجی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی» بسته‌وگريخته تلاش‌های محمدرضا شاه را جهت احیای برخی از جنبه‌های تمدن هخامنشی موردبررسی قرار داده‌اند. علی صالح در پژوهشی در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی تاریخی زمینه‌ها و پیامدهای برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در دوران پهلوی دوم» اشاراتی گذرا به اقدامات هخامنشی‌گرایی محمدرضا شاه در این جشن‌ها کرده است. در کتاب جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و دربار (۱۳۷۷ش) نیز مطالب مختلفی در مورد اقدامات هخامنشی‌گرایی دولت پهلوی دوم وجود دارد. اگرچه در همه این پژوهش‌ها مطالبی در مورد

موضوع مذکور وجود دارد، ولی پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از پژوهش‌های قبلی، مدعی است که هخامنشی‌گرایی در سیاست‌های فرهنگی حکومت محمدرضا شاه پهلوی نیازمند پژوهش جامع و مستقل است تا با بررسی همه‌جانبه، زوایای پیدا و پنهان این سیاست‌های فرهنگی موردپژوهش و واکاوی قرار گیرد.

باستان‌گرایی حکومت پهلوی

باستان‌گرایی یا آرکائیسم^۱ (Archaisme) به معنای گذشته‌گرایی است. در تعریف باستان‌گرایی یا آرکائیسم گفته‌اند: «از مؤلفه‌های جدید برای نوسازی به حساب می‌آید و در پی آن است تا با احیا و تجدید حیات سنت‌ها و عقاید کهن و باستانی، نظم جدیدی را در تفکر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بازتولید نماید و زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی نوین را برپایه سنت‌های کهن بنا نهد» (اکبری، ۱۳۷۵: ۱۸۸). پدیده باستان‌گرایی در دوره قاجار بعد از آشنایی ایرانیان با تمدن غرب و تحت تأثیر مطالعات و گفته‌های شرق‌شناسان در مورد عظمت و شکوه ایران باستان شکل گرفت، اما آغاز رسمی باستان‌گرایی با استقرار دولت تمرکزگرای پهلوی مصادف گردید و باستان‌گرایی به یکی از ارکان اصلی اندیشه‌ورزی در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... این حکومت تبدیل شد. در روایت رسمی دولت پهلوی از پدیده باستان‌گرایی «تاریخ باستانی ایران دورانی پرشکوه، تفاخرآمیز و شایسته یادآوری است که می‌بایستی به مثابه الگویی درخشان، مدام بازخوانی شود و پیوستگی حکومت پهلوی با آن دوره، با تأکید بر مفاهیمی همچون شاهنشاه، میهن و... به صورت مستمر، مورد تأکید قرار بگیرد» (ساتن، ۱۳۳۷: ۴۳۷). از میان حکومت‌های باستانی ایران، هم رضاشاه و هم محمدرضا شاه علاقه خاصی به دوره هخامنشی داشته‌اند. مهم‌ترین دلایل ارجحیت و

1. Archaisme

برجسته‌بودن تمدن هخامنشی نسبت به سایر سلسله‌های باستانی ایران در نگاه خاندان پهلوی به‌ویژه محمدرضا شاه را باید در اهمیت هخامنشیان در پایه‌گذاری نخستین حکومت بزرگ جهانی، معرفی ایرانیان به‌عنوان تأثیرگذارترین مردم شناخته‌شده در جهان باستان و همچنین به یادگار گذاشتن میراث و دستاوردها بزرگ و خوش‌نام تمدنی و فرهنگی موردستایش جهانیان در زمینه‌های مختلف کشورداری، شیوه‌های عمرانی، اقتصادی و تجاری، ابداع هنرهای جهانی، ساخت بناهای باشکوه و از همه مهم‌تر رواداری فرهنگی و دینی شاهان هخامنشی دانست. بررسی افکار، بیانات و اعمال محمدرضا شاه نشان می‌دهد که وی فرهنگ و تمدن هخامنشی را به دلایل مذکور دارای ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سیاسی، فرهنگی، هنری، مذهبی، اجتماعی و... می‌پنداشت که احیا و ترویج آنها برای ایدئولوژی حکومت وی در عرصه داخلی و خارجی، کارکردها و دستاوردهای سازنده و تأثیرگذاری را به همراه داشت. او در مورد میراث ماندگار و قابل‌تکریم تمدن هخامنشی گفته بود: «آیین کشورداری شاهنشاهی هخامنشی نخستین جامعه مشترک‌المنافع جهان را پدید آورد و... فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و هنرهای شرق و غرب جهان را درهم آمیخته است... اساس این فرهنگ و تمدن چه در اصول مذهبی و فلسفی، چه در کشورداری، چه در دانش و هنر خصیصهٔ انسان‌دوستی بود و برپایهٔ زندگی و آفرینندگی بنیاد نهاده شد» (پهلوی، بی‌تا: ۲۶۲-۲۶۰). بر همین اساس شاه و کارگزاران وی به دوره هخامنشی دل‌بستگی شدیدی نشان دادند، این علاقه تا جایی بود که محمدرضا شاه از میان شاهان باستانی، خود را وارث شاهنشاهی کوروش بزرگ و اندیشه‌های مداراجویانهٔ فرهنگی و مذهبی او معرفی کرد. وی در تمجید و ستایش از اندیشه‌های حقوق بشری و انسان‌دوستانهٔ هخامنشیان گفته بود: «اساس شاهنشاهی ایران که به دست کوروش کبیر پی‌ریزی شد تنها بر پایه جهانگشایی نهاده نشده بود؛ بلکه بر عدالت بین‌المللی و مدارا نیز مستقر بود. حقوق تمام ملل تابعه محفوظ و قوانین و آداب‌ورسوم آنها مورداحترام بود. در حقیقت کیفیت نخستین امپراتوری ما تقریباً مانند سازمان ملل متحد بود که امروز

پس از ۲۵۰۰ سال مجدداً در جهان به وجود آمده است... ما هرگز به تبعیضات نژادی و یا مذهبی یا تفاوت بین رنگ و پوست افراد اعتقاد نداشتیم و برعکس همواره به مدارا و مباحثات نسبت به نژادها و مذاهب مختلف مشهور بوده و کشور خود را ملجأ ستمدیدگانی که ملیت دیگر داشته‌اند قرار داده‌ایم...» (پهلوی، بی‌تا: ۳۳-۲۱). محمدرضا شاه در راستای پیوند زدن خود به شاهان هخامنشی، برنامه‌های انقلاب سفید حکومت خود را برگرفته از تاریخ هخامنشی و کوروش بیان کرده و گفت: «انقلاب سفید ما نه تنها از دوران کوروش مایه گرفته، بلکه دقیقاً ما را به جهتی می‌کشاند که بتوانیم در راستای برنامه‌های کوروش کبیر حرکت کنیم» (پهلوی، ۱۳۹۶: ۲۷). وی کوروش بزرگ هخامنشی را بنیان‌گذار حقوق بشر در جهان می‌نامید و او را مایه مباهات و فخر ایرانی و ایرانیان می‌پنداشت: «کوروش نخستین فردی بود که قوانین بشری را تدوین کرد... برای مذاهب احترام قائل بود... من تصور می‌کنم یکی از دلایل برقراری حکومت ما این بود که بر پایه شالوده‌ای انسانی پی‌ریزی شد» (مرسان، شماره بازیابی سند ۲۶۷: ۲۴۶). اورiana فالاجی^۱ در مورد رؤیاهای محمدرضا شاه برای احیا تمدن هخامنشی می‌نویسد: «شاه معتقد است روح داریوش بزرگ در او حلول کرده و خداوند او را به این دنیا فرستاده است تا شاهنشاهی ازدست‌رفته کوروش را از نو زنده کند» (فالاجی، ۱۳۸۹: ۱۸۵). بدین ترتیب باید گفت که محمدرضا شاه با علم به اینکه حکومت هخامنشی به‌عنوان اولین امپراتوری جهانی و صاحب میراث خوش‌نام، غنی، بالنده و مورد تحسین و تکریم جهانیان، از ظرفیت و پتانسیل خوبی برای اهداف و راهبردهای داخلی و خارجی حکومتش برخوردار است، به اجرای سیاست‌های مختلف فرهنگی برای احیا و بازآفرینی تمدن و فرهنگ آن حکومت پرداخت.

تحلیل یافته‌های پژوهش

واکاوی حکومت پهلوی دوم نشان می‌دهد که مهم‌ترین فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی محمدرضا شاه پهلوی برای بازآفرینی و نشر فرهنگ و تمدن هخامنشی در زمینه هنر؛ نام‌گذاری؛ برگزاری نمایشگاه‌ها، کنگره‌ها و جشن‌ها؛ تألیف و ترجمه و چاپ کتاب و مقاله و دست‌آخر ابداع تقویم شاهنشاهی با مبدأ هخامنشی صورت گرفته است. در زیر تلاش کرده‌ایم هرکدام از آنها را مورد بررسی قرار دهیم.

استفاده از هنر مجسمه‌سازی، موسیقی، نمایش و مستند برای احیا و ترویج فرهنگ و تمدن

هخامنشی

بررسی دو دهه پایانی حکومت شاه ایران و مشاوران فرهنگی وی نشان می‌دهد که آنها از هنر، برای بازآفرینی و اشاعه تاریخ و تمدن هخامنشی در سطح ملی و بین‌المللی بسیار استفاده کردند. مجسمه‌سازی یکی از هنرهای بود که دولت پهلوی برای این هدف مهم آن را مورد استفاده قرار داد. مهم‌ترین تجلی استفاده از هنر مجسمه‌سازی، ساخت مجسمه کوروش بزرگ و نصب آن در مکان‌های مختلف کشور و حتی مجامع بین‌المللی بود. در سندی مربوط به ساواک و دربار آمده است: «برای تهیه و نصب دو مجسمه کوروش کبیر یکی در تهران و دیگری در شیراز اقدام به عمل آمده و ماکت آنها به وسیله استاد ابوالحسن صدیقی تهیه شد ...» (جشن‌های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، شماره سند ۳۴۰۰ : ۳۷۲/۱). هنر نمایش از جمله هنرهای دیگری بود که برای بازآفرینی صحنه‌ها و رویدادهای تاریخ هخامنشی توسط تیم باستان‌گرایی محمدرضا شاه مورد استفاده قرار گرفت. اجرای

نمایش اُپرای رویداد فتح بابل توسط کوروش بزرگ در سال ۱۳۴۳ش با همت دانشجویان ازجمله این اقدامات بود، در سندی از ساواک مربوط به سناتور جواد بوشهری نایبرئیس شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی در این باره آمده است: «جناب آقای سناتور بوشهری نایبرئیس جشن‌های دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی ایران؛ همان‌طوری که اطلاع دارند... شاهنشاه به اتفاق شهبانوی ایران بعد از اجرای مراسم رسمی در تالار فردوسی تشریف‌فرما شدند و مدت نیم‌ساعت تمام یک صحنه از اُپرای فتح بابل را که در آن کوروش کبیر بنیان‌گذار شاهنشاهی ایران کهن در عالی‌ترین درجه انسانیت و بشردوستی جلوه‌گری می‌نمود و داستان آن از کتب تاریخی و کتاب آسمانی تورات استخراج شده بود را ملاحظه کردند» (جشن‌های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، شماره سند ۴۸۶۸۹ : ۸۰/۲).

همچنین دولت پهلوی برای معرفی تمدن هخامنشی به جهانیان از طریق هنر نمایش با سازمان بین‌المللی یونسکو به رایزنی پرداخته و این سازمان «نمایش بین‌المللی فیلم کهن‌سال‌ترین سلطنت جهان را اجرا کرد» (بنکدار، ۱۳۵۰: ۱۲). در جریان جشن‌های دوهزار پانصدساله شاهنشاهی نیز دولت پهلوی برای نشان دادن عظمت و قدرت ایران عصر هخامنشی به مهمانان خارجی، نمایش رویدادهای بزرگ هخامنشیان ازجمله «نمایش محاصره و فتح بابل و نبرد دریایی سالامین را به اجرا درآورده بود» (نهادی، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۰). ساخت مستند رسمی با عنوان «فروغ جاویدان» در سال ۱۳۵۰ ش. به کارگردانی شاهرخ گلستان در مورد تاریخ و تمدن ایران باستان دیگر فعالیت حکومت محمدرضا شاه بود. در بخشی از این مستند «تاریخ و تمدن هخامنشی به نمایش گذاشته شد و منشور کوروش به‌عنوان اولین بیانیه حقوق بشر معرفی گردید» (ضیا ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۹۹). موسیقی دیگر شاخه فعالیت فرهنگی بود که محمدرضا شاه و کارگزاران فرهنگی وی برای پاسداشت و احیای تاریخ و تمدن هخامنشی از آن بهره گرفتند. مهم‌ترین و جدی‌ترین فعالیت آنها در عرصه موسیقی، تلاش و فعالیت برای ساخت آهنگ کوروش بزرگ بود که در نهایت با کمک هنرمندان خارجی دو

قطعه آهنگ در این زمینه ساخته شد. کارگزاران فرهنگی حکومت پهلوی نتیجه فعالیت خود را برای ساخت آهنگ کوروش این‌طور به شاه گزارش داده بودند: «پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه؛ حسب‌الامر مطاع مبارک که به‌وسیله وزارت دربار به جان‌نثار ابلاغ گردیده افتخار دارد گزارش اموری که در دفاتر جشن‌های شاهنشاهی از بدو تصدی جان‌نثار ۱۳۳۹/۷/۷ تا آخر تیر ۱۳۴۲ انجام پذیرفته و یا در شرف انجام است به‌شرح زیر به پیشگاه مبارک معروض دارد... برای تهیه آهنگ کوروش پیشنهاداتی به شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی رسیده یک فقره نت آهنگ به‌وسیله موسیقی‌دان یهودی به‌نام عزرا کبای تهیه و برای آزمایش در اورشلیم در حضور ۳۵۰۰ نفر به مدت یک ساعت اجرا گردید. در بلغراد الکساندر نواکویچ^۱ آهنگی به‌نام کوروش کبیر ساخته و به‌وسیله سفارت شاهنشاهی در یوگسلاوی به وزارت محترم دربار ارسال داشته‌اند. آقای نیازی موسیقی‌دان اهل آذربایجان مقیم باکو به‌وسیله استاد سعید نفیسی تقاضای عزیمت به ایران برای شرکت در تهیه آهنگ کوروش نموده‌اند» (جشن‌های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، شماره سند ۳۴۰۰: ۳۷۲/۱). باید گفت دلیل اصلی محمدرضا شاه پهلوی و تیم ایده‌پرداز باستان‌گرایی، در استفاده از هنرهای ذکرشده اعتقاد به تأثیرگذاری بالای عینی و ذهنی مهم آنها در آشنایی، علاقه‌مندی و نهادینه کردن عمیق تاریخ و تمدن هخامنشی در باور ایرانیان بوده است. البته ذکر این نکته مهم است که دولت پهلوی اقدامات بسیار گسترده در بخش‌های مجسمه‌سازی، نمایش، موسیقی و مستند برای بازآفرینی تمدن هخامنشی انجام داد و موارد ذکرشده تنها بخشی از این اقدامات بوده است.

نام‌گذاری هخامنشی بر روی مکان‌ها، سال‌ها و رویدادها

1 . Alexander Novakovich

کارگزاران فرهنگی دولت پهلوی دوم برای ترویج و نهادینه کردن فرهنگ و تمدن هخامنشی در لایه‌های مختلف جامعه ایران و برای مقابله با رواج نام‌های غیرایرانی به‌ویژه نام‌های اسلامی و عربی سیاست‌ها و برنامه‌هایی را طراحی کردند، تا نام مکان‌ها، رویدادها و مناسبت‌های جامعه ایران دارای اسامی ایرانی مخصوصاً اسامی هخامنشی شوند. برای عملی شدن این سیاست نام‌گذاری آریایی، خود محمدرضا شاه پیشگام شد و لقب باستانی شاهنشاه آریامهر را برای خود انتخاب کرد. بدین‌شکل که در جلسه مشترک مجلس سنا و شورای ملی در چهارم شهریورماه ۱۳۴۴ ش «لقب آریامهر یعنی خورشید آریا به محمدرضا شاه اعطا شد و همچنین او خود را شاهنشاه که لقبی برای کوروش بود نامید» (حسینیان، ۱۳۸۳: ۴۰۵). در ادامه این پروژه هخامنشی‌گرایی، نام‌گذاری کوروش بر روی مکان‌ها، رویدادها و سال‌ها در اولویت قرار گرفته بود. انتخاب نام کوروش کبیر «بر روی سد رودخانه زرتینه رود واقع در جنوب شرقی شهرستان بوکان، انتشار نشریه‌ی با نام کوروش کبیر، نام‌گذاری خیابان قصرالدشت شیراز به نام کوروش کبیر و همچنین خیابان قدیم شمیران به نام کوروش کبیر» (شفا، ۱۳۶۴: ۲۰۴۵/۵-۲۰۵۲) ازجمله این اقدامات بود. نام‌گذاری مدارس جدیدالتأسیس به اسم کوروش بزرگ تلاش دیگر دولت پهلوی دوم در عرصه آموزش و پرورش برای جا انداختن و تبلیغ تاریخ و تمدن هخامنشی بود. در اسناد آن دوره در این باره آمده است: «عطف به مرقومه شماره ۱۳۱۰-۱۷/۴/۱۳۴۳ موضوع نام‌گذاری مدارس جدیدالتأسیس به نام کوروش کبیر: استحضار می‌دهد طی بخشنامه‌ای به ادارات کل فرهنگ استان‌ها و فرمانداری‌های کل دستور داده شد در نام‌گذاری مدارس به نام کوروش کبیر اقدام نموده و نتایج را گزارش دهند» (جشن‌های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، شماره سند ۷۸۷۱: ۶۰/۲). نتیجه تلاش‌ها و اقدامات دولت پهلوی برای نام‌گذاری میادین، خیابان‌ها و مدارس و... به نام کوروش کبیر باعث شد که «۳۲ خیابان- میدان- دبستان- دبیرستان در نقاط مختلف کشور و همه مدارس بزرگ و جدیدی که در سال جشن شاهنشاهی تأسیس و

افتتاح شدند، همگی به نام کوروش کبیر نام‌گذاری شوند». (جشن‌های دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و دربار، ۱۳۷۷: ۵۳/۱ بخش ضمائم). دولت پهلوی در راستای برجسته‌کردن تمدن هخامنشیان در سال ۱۳۴۸ ش. تصمیم گرفت سال ۱۳۵۰ ش را سال کوروش بزرگ بنامد. بر همین اساس این سال که برابر با دو هزار پانصدمین سال فتح بابل به دست کوروش بود، سال کوروش نام‌گذاری شد. محمدرضا شاه در پیام نوروزی خود در مورد نام‌گذاری سال ۱۳۵۰ با عنوان سال کوروش گفت: «سالی که اینکه آغاز می‌شود سال برگزاری جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی است و ازاین‌جهت به نشان ادای احترام ملی به بنیان‌گذار این شاهنشاهی، این سال را سال کوروش بزرگ اعلام می‌کنم» (روزنامه تاریخ شاهنشاهی ایران، شماره ۲۴۰، ۹۵۷). حکومت پهلوی در راستای بین‌المللی‌کردن سال کوروش، از دیگر کشورها خواست تا این سال را در کشور خود سال کوروش بنامند، بر همین اساس قرار شد کشورهای «برزیل و پاکستان سال ۱۳۵۰ را سال کوروش اعلام کنند» (متما، شماره سند ۴۱۲۴: بی‌تا). در نتیجه همین رایزنی‌های بین‌المللی و تبلیغ تمدن هخامنشی در مجامع جهانی «در آتن و روم دو خیابان به نام کوروش نام‌گذاری شد» (بنکدار، ۱۳۵۰: ۱۲). سیاست دولت پهلوی در نام‌گذاری هخامنشی به عرصه ورزشی هم کشیده شد؛ چراکه از نگاه آنها ورزش به دلیل جذابیت بالا و مخاطب زیاد ظرفیت خوبی برای اشاعه و ترویج تفکرات باستان‌گرایی مدنظر آنها داشت. بر همین باور، حکومت محمدرضا شاه «مسابقات و جام‌های ورزشی در سال ۱۳۵۰ ش را با عنوان جام کوروش بزرگ نام‌گذاری کرد» (روزنامه ندای ایران‌زمین، شماره ۱۶۰۵، ۲۴/۳/۱۳۵۰، ۸؛ روزنامه آیندگان، شماره ۱۱۳۹، ۱/۷/۱۳۵۰، ۹). درمجموع باید گفت دولت پهلوی دوم با سیاست نام‌گذاری هخامنشی بر روی مکان‌ها، سال‌ها و رویدادها درواقع متن زندگی اجتماعی و روزمره همه طبقات جامعه ایران را برای فرهنگ‌سازی باستانی موردعلاقه خود و مقابله با فرهنگ اسلامی ایران نشانه گرفته بود و در این زمینه اقدامات فراوانی انجام داد.

معرفی، نمایش و نصب آثار تاریخی و تمدنی هخامنشی در مجامع بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های هخامنشی‌گرایی حکومت محمدرضا شاه پهلوی، نصب و به‌نمایش‌درآوردن نمادها و آثار تاریخی و تمدنی حکومت هخامنشی در مجامع بین‌المللی بود. هدف وی علاوه بر معرفی تمدن و فرهنگ هخامنشی به جهانیان، پیوند زدن خود به هخامنشان جهت استفاده از خوش‌نامی این سلسله‌ی باستانی برای به‌دست‌آوردن وجهه بین‌المللی نیز بوده است. او تلاش داشت با برجسته‌کردن تمدن هخامنشی و اندیشه‌های مدارجویانه دینی و فرهنگی بنیان‌گذاشته‌شده توسط آن حکومت، خود را ادامه‌دهنده و مدافع دیواره‌های صلح جهانی و حقوق بشری معرفی کند. مجله خواندنی‌ها در این زمینه نوشت: «پیام پاسارگاد پیام شاهنشاهی دو هزار و پانصدساله ایران به دنیا، پیام دفاع از انسان و تمدن بود... پاسارگاد در آغاز جشن دو هزار و پانصدمین سال آیین تاج‌گذاری کوروش، جهانگیرتر از روزی شد که کوروش از آن برخاسته بود با پیمان آسمانی و انسانی...» (مجله خواندنی‌ها، ۱۳۵۰/۷/۲۴، سال ۳۲، شماره ۹: ۱۱). یکی از اقدامات کارگزاران و گردانندگان برنامه‌های هخامنشی‌گرایی حکومت پهلوی دوم برای معرفی و شناساندن تمدن هخامنشی به جهانیان، برگزاری نمایشگاه‌ها در کشورهای مختلف جهان برای معرفی و به‌نمایش‌درآوردن آثار تمدن هخامنشی و دیگر دوره‌های تاریخی ایران بوده است. کشور آمریکا یکی از مهم‌ترین کانون‌های برگزاری این نمایشگاه‌ها بود، به‌طوری‌که «کتابخانه عمومی شهر نیویورک در ایالت نیوجرسی نمایشگاهی از آثار باستانی مربوط به فرهنگ و تمدن ایران تحت عنوان ایران طی سه هزار سال - درود بر شاهنشاه ترتیب داده است» (جشن‌های دوهزار پانصدساله

به‌روایت اسناد ساواک و دربار، شماره ۴۳: ۲۱۴/۱). با پیگیری‌ها و تلاش‌های دولت پهلوی دوم یک نمونه از منشور کوروش به‌عنوان اولین بیانیه حقوق بشر برای نصب در سازمان ملل به آن سازمان اعطا شد. در سندی در مورد این اقدام آمده است: «به‌طوری‌که استحضار دارند و سوابق امر در آن سفارت کبری موجود است، مذاکراتی با مقامات مربوطه سازمان ملل متحد به عمل آمده و موافقت نموده که شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران قسمتی از منشور کوروش کبیر را که در شهر بابل کشف گردیده و اکنون در موزه بریتانیا محفوظ است، روی لوحه مخصوص حکاکی نموده و توسط آن سفارت کبری جهت نصب در محل مناسبی در تالار سازمان ملل متحد به مقامات مربوطه سازمان مزبور تسلیم گردد» (جشن‌های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، شماره سند ۳۱۴: ۹/۲). علاوه بر آن، یک لوح از منشور کوروش را «در مرکز اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو با مراسم خاصی نصب کردند» (الموتی، ۱۳۷۰: ۱۳۱). در ادامه مانور دولت پهلوی بر روی منشور کوروش، با موافقت سازمان ملل «لوح کوروش به همه زبان‌های رسمی کشورهای عضو این سازمان در سال ۱۹۷۱ م. ترجمه شد» (sureh pahal, 1999: 37). نصب منشور کوروش «در موزه باستان‌شناسی ملبورن استرالیا» (روزنامه جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰، ۴)، دیگر اقدام بین‌المللی آنها برای معرفی تمدن هخامنشی بوده است. همچنین با حمایت پارسیان هند، دولت پهلوی موفق شد «لوحی از منشور کوروش بزرگ به زبان‌های فارسی و انگلیسی را با کنده‌کارهای هنری در شهر بمبی هند نصب کند» (شفا، ۱۳۶۴: ۲۰۴۳/۵). بدین ترتیب می‌توان گفت ایجاد نمایشگاه‌ها و نصب نمادها و آثار دوره هخامنشی در مجامع بین‌المللی، بیشتر از همه، با هدف پیوند زدن سلطنت خاندان پهلوی به حکومت هخامنشی و کسب وجهه بین‌المللی از طریق استفاده از خوش‌نامی و محبوبیت هخامنشیان برای شخص محمدرضا شاه در مناسبات جهانی بوده است. علاوه بر این علاقه، دل‌بستگی و افتخار به تاریخ و تمدن

آریایی ایران در جهان و برجسته کردن تمدن باستانی نسبت به دوره اسلامی، که ریشه در احساسات ایران گرایی شاه داشت، دیگر هدف حکومت پهلوی از این اقدام بوده است.

برگزاری کنگره‌ها، جشن‌ها و مسابقات در مورد تمدن هخامنشی

پاسداشت تاریخ و تمدن هخامنشی با استفاده از برگزاری کنگره‌های علمی و پژوهشی داخلی و خارجی گام دیگر دولت پهلوی در راستای هخامنشی گرایی بود. تشکیل سه کنگره ایران-شناسان که تمدن هخامنشی بخشی از آن بوده با همین هدف انجام گرفت. دولت پهلوی تلاش کرد تا اکثر ایران‌شناسان داخلی و خارجی را به این کنگره‌ها دعوت کند به طوری که «اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه طی نامه‌ای به عبدالرضا انصاری، قائم مقام رئیس شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی، از او خواسته است که اسامی ایران‌شناسان هر کشور را جهت دعوت از آنان به سفارت ایران در آن کشورها ارسال نماید» (متما، شماره سند ۳-۴-۱۲۱: بی تا). اولین کنگره «در تهران از ۹ شهریور تا ۱۶ شهریور ۱۳۴۶ ش به ریاست حسن تقی زاده تشکیل شد. کنگره دوم در سال ۱۳۵۰ ش و کنگره سوم در سال ۱۳۵۴ ش برگزار شد» (بنی احمد، ۱۳۵۴: ۱۷۶). مرحله دوم کنگره ایران‌شناسان در شیراز در ۲۰ مهرماه ۱۳۵۰ ش همزمان با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی که معرفی تمدن هخامنشی بخشی از آن بوده است برگزار شد. روزنامه بهار ایران در مورد کنگره دوم ایران‌شناسان نوشته است: «از برجسته ترین برنامه‌های جشن‌های ۲۵۰۰ ساله کنگره ایران‌شناسی بود که با شرکت صدها ایران‌شناس داخلی و خارجی برگزار شد» (روزنامه بهار ایران، ۲۹/۷/۱۳۵۰، شماره ۲۴۰۸، ۱). سه کنگره بزرگ در زمینه ایران‌شناسی نیز در خارج از کشور برگزار شد که «اولین کنگره در منچستر به نام کنگره مهرشناسی، دومین کنگره در لنینگراد و سومین در هندوستان برگزار شد» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۰، شماره ۱۳۶۱۱، ۱). بزرگ ترین و پرسرصدترین اقدام محمدرضا شاه پهلوی در راستای هخامنشی گرایی برگزاری جشن‌های دوهزارپانصد ساله شاهنشاهی در پایتخت‌های کوروش و داریوش در پاسارگاد و

تخت‌جمشید بوده است. این جشن‌های که از ۲۰ تا ۲۶ مهرماه سال ۱۳۵۰ ش برگزار شد، ایران را به مرکز خبری جهان تبدیل کرده بود. محمدرضا شاه پهلوی به‌عنوان پادشاه ایران، در این جشن‌ها سران کشورهای مختلف جهان را که شامل «بیست پادشاه و امیر عرب، بیست‌ویک شاهزاده، شانزده رئیس‌جمهور، سه نخست‌وزیر، چهار معاون رئیس‌جمهور و دو وزیر خارجه از ۶۹ کشور بودند» (سالنامه دنیا، ۱۳۵۰، بی‌تا) را در پاسارگاد و تخت جمشید گرد هم آورد. باید گفت هدف محمدرضا شاه پهلوی از این اقدام آن بود که وانمود کند او وارث سنت پادشاهی کوروش و داریوش هخامنشی است و پادشاهی ایران امروز بعد از ۲۵۰۰ ساله به همان راه می‌رود که هخامنشیان ۲۵۰۰ ساله پیش بنیان گذاشته‌اند. به تعبیر ریچارد کاتم «جشن و ضیافت دوهزار پانصدساله شاهنشاهی درواقع نماد بازگردانی شکوه و عظمت گذشته ایران به این کشور بود» (کاتم، ۱۳۷۱: ۴۱۶-۴۱۵). او در این جشن «برای تأکید بیشتر بر نسبت مادی و معنوی خود با شاهان هخامنشی، همراه کاروان سلطنتی به‌اتفاق مهمانان خارجی راهی زیارت آرامگاه کوروش در پاسارگاد شد» (روزنامه رستاخیز، ۱۸/۱۳۵۶/۷: ۳). نمایش و اجرای آیین‌های دوره هخامنشی ازجمله لباس و رژه سپاهیان به سبک ارتش هخامنشی و احیای نمادین چاپارخانه‌های دوره هخامنشی ازجمله این آیین‌ها بود. روزنامه اطلاعات در مورد بازآفرینی چاپارخانه‌های هخامنشی نوشته است: «دو نفر پیک سوار در روز ۱۷ مهرماه پیام ملت را با لباس‌های دوران هخامنشی از جلوی مجلس سنا به تخت جمشید بردند. این دو سوارکار طبق برنامه تهیه‌شده در ۱۲ کیلومتر دورتر جای خود را به دو سوارکار دیگر می‌دهند و این روند تا تخت‌جمشید ادامه می‌یابد» (روزنامه اطلاعات، ۱۷/۷/۱۳۵۰، شماره ۱۳۶۱۷، ۴). برگزاری آیین‌های مخصوص هخامنشیان در کلیساهای سراسر جهان با رایزنی فرهنگی حکومت محمدرضا شاه هم‌زمان با گرامیداشت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله اقدام جهانی دیگری بود که هخامنشی‌گرایی محمدرضا شاه پهلوی را نشان داد. در این برنامه «شورای جهانی کلیساها که هشتادوشش کشور عضویت آن را داشتند به یک‌صد

هزار کلیسای تحت نظر خود پیشنهاد کرده‌اند که برنامه دعا و خواندن آیاتی از کتاب مقدس را که مربوط به کوروش می‌باشد را اجرا نمایند» (متما، شماره سند ۴۱۲۴، ۱۸). در همین راستا کاتولیک‌های مرکز واتیکان «کنفرانسی با عنوان کوروش بزرگ و بیست و پنج قرن تمدن ایران را برگزار کردند» (شفا، ۱۳۶۴: ۲۰۴۶/۵). برگزاری مسابقات ورزشی یادبود دوره هخامنشی، اقدام فرهنگی دیگری توسط دولت پهلوی بوده است.

یکی از مهم‌ترین این مسابقات ورزشی در سطح بین‌المللی «برگزاری مسابقه رالی اتومبیل‌رانی پاریس-تخت جمشید توسط کمپانی خودروسازی سیتروئین فرانسه بود» (عامری، ۱۳۹۵: ۱۹۱). باید گفت برگزاری این کنگره‌ها، جشن‌ها و مسابقات علاوه بر علاقه شاه به تاریخ و تمدن هخامنشی، که از احساسات ناسیونالیستی او ریشه می‌گرفت، اهداف دیگری همچون ترویج فرهنگ و تمدن آریایی ایران باستان در مقابل فرهنگ اسلامی و نوعی هویت‌سازی باستانی برای ایرانیان بود. همچنین وی قصد داشت با برجسته کردن تاریخ و تمدن هخامنشی و اندیشه‌های انسان‌دوستانه و حقوق بشری شناخته‌شده آن تمدن در بین جهانیان خود را ادامه‌دهنده افکار و اندیشه‌های هخامنشی به‌ویژه در مجامع بین‌المللی نشان دهد و از این طریق برای خود و ایران کسب وجهه بین‌المللی کند.

ساخت و طراحی آثار و نمادهای دوره هخامنشی با استفاده از ظرافت‌های هنری

تشکیل کارگروهی از هنرمندان و پژوهشگران مختلف داخلی و خارجی برای ساخت و طراحی آثار تاریخی، صحنه‌ها و رویدادهای خاص و برجسته تمدن هخامنشی در قالب فعالیت هنری و به‌نمایش گذاشتن آنها در مجامع داخلی و بین‌المللی گوشه‌ای دیگری از اقدامات حکومت محمدرضا شاه برای نشان‌دادن دل‌بستگی خود به تاریخ هخامنشی بوده است. در یک سندی از اسناد ساواک و دربار در ضمن اشاره به اقدامات انجام‌شده برای برگزاری جشن‌های شاهنشاهی در مورد ساخت، طراحی و بازآفرینی آثار دوره هخامنشی آمده است:

«پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه؛ حسب الامر مطاع مبارک که به وسیله وزارت دربار به جاننثار ابلاغ گردیده افتخار دارد گزارش اموری که در دفاتر جشن های شاهنشاهی از بدو تصدی جاننثار ۱۳۳۹/۷/۷ تا آخر تیر ۱۳۴۲ انجام پذیرفته و یا در شرف انجام است به شرح زیر به پیشگاه مبارک معروض دارد... شش تابلو رنگی از آثار باستانی هخامنشی شامل نقش بالدار کوروش در پاسارگاد، سربازان هخامنشی در محاصره سارد، دو تابلو از عرابه های هخامنشی به صورت برج سه طبقه زمان کوروش که به وسیله گاو میش کشیده می شود، یک تابلو از دو سرباز هخامنشی در جلو کاخ تخت جمشید توسط عضو دفتر هنری شورای مرکزی تهیه شد» (جشن های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، شماره ۳۴۰۰: ۱/ ۳۷۸). در راستای سیاست طراحی و بازآفرینی آثار دوره هخامنشی، نمونه هایی از منشور کوروش بزرگ که محمدرضا شاه آن را سند پرافتخاری برای ایران و ایرانیان و همچنین نماد حقانیت و مشروعیت سلطنت دوهزار پانصدساله ایران می پنداشت با ظرافت هنری بسیار زیبای ساخته شد و به گفته فرح پهلوی در جریان جشن های شاهنشاهی «به همه مهمانان و مدعوین یک نسخه از آن هدیه داده شد» (خاطرات فرح، ۲۱۱). یکی از مهم ترین اهداف دولت پهلوی از ساخت و طراحی این آثار، ارائه و نمایش آنها در نمایشگاه ها و مجامع بین المللی جهت معرفی و نشان دادن عظمت تمدن ایران بوده است. برای مثال در سندی در مورد ساخت آثار دوره هخامنشی جهت نمایش در نمایشگاه جهانی مونترال آمده است: «عطف به مرقوم شماره ن م ۲۱۸۸۷/۲۱۳-۲۳/۱/۴ مورخ ۱۳۴۵/۵/۱۳ و تعقیب مذاکرات تلفنی با جناب آقای دکتر مهدی بوشهری راجع به در اختیار قرار دادن چند نمونه از آثار هنری و تاریخی کهن ایران در نمایشگاه جهانی مونترال در غره ایران ... شورای مرکزی جشن شاهنشاهی با کمال مسرت نمونه های از آثار هنری ایران را که در

ظرف چند سال اخیر تهیه نموده است به شرح زیر اعلام می‌دارد: یک قطعه قالیچه نوبافت از روی نقشه فرش دوران هخامنشی که توسط پروفیسور رودنکو^۱ در دره پازیریک در درون آرامگاه یکی از پادشاهان سکائی در دل یخ‌ها کشف شده، نمونه کپی شده از استوانه گل پخته به خط میخی بابلی حاوی فرمان کوروش کبیر شاهنشاه هخامنشی، ساغر بزرگ زرین دوران هخامنشی به شکل شیر بالدار، بشقاب متوسط زرین دوران هخامنشی دارای نقش برجسته شیر و گاو، ساغر متوسط دوران هخامنشی به شکل گاو بالارزش و... آماده شدند» (جشن‌های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، شماره سند ۴۰۸۴ / ۶۱۱۱ / ۲ / ۲۵۴). تلاش برای ساخت و طراحی نمادهای هخامنشی و تبلیغ آنها در نظام آموزش و پرورش دیگر فعالیت هنری هخامنشی‌گرایی حکومت محمدرضا شاه بود. در این راستا می‌توان به ساخت و طراحی آرم‌ها و علامت‌های دوره هخامنشی و نصب آنها در روی جلد کتاب‌ها، مجله‌ها و دفترچه‌های دانش‌آموزان اشاره کرد. به عنوان نمونه در یک سندی در مورد مأموریت فروشگاه فردوسی برای طراحی تعداد زیادی آرم عقاب هخامنشی از پارچه و توزیع رایگان بین دانش‌آموزان آمده است: «به فروشگاه فردوسی سفارش شود مقدار زیادی لوازم التحریر - مداد - مدادپاکن - کتابچه با علامت عقاب هخامنشی و کوروش کبیر تهیه کنند و دانش‌آموزان در سال ۱۳۵۰ به جای لوازم التحریرهای معمولی مصرف نمایند» (حدیدی، ۱۳۷۷: ۱۵۲). باید گفت هدف محمدرضا شاه از بازآفرینی و طراحی آثار دوره هخامنشی و نمایش آنها در عرصه داخلی و بین‌المللی علاوه بر معرفی و شناساندن عظمت و شکوه تمدن ایران به جهانیان، القای این تفکر به جامعه جهانی بود که نظام شاهنشاهی که کوروش بزرگ هخامنشی ۲۵۰۰ ساله پیش براساس اندیشه‌های رواداری دینی، فرهنگی، اجتماعی و... در ایران بنیاد نهاد، همچنان اعتقاد و دل‌بستگی اساسی ایرانیان است و ایرانیان برای اشاعه و دفاع

از آیین شاهنشاهی کوشش و تلاش فراوان دارند؛ یا به عبارت دیگر تبلیغ این مسئله بود که نظام شاهنشاهی ایران که سلطنت پهلوی نماینده آن است، در بین مردم ایران دارای مشروعیت و مقبولیت است و از این طریق قدرت چانی‌زنی خود را در مناسبات جهانی افزایش دهد.

تألیف، ترجمه و چاپ کتاب و مقاله در مورد فرهنگ و تمدن هخامنشی

تألیف و ترجمه کتاب و مقاله در مورد تمدن هخامنشی فعالیت فرهنگی دیگر مورد حمایت محمدرضا شاه بوده است. در زمان حکومت وی با همکاری مراکز دانشگاهی، نویسندگان و مورخان کتب زیادی درباره نظام شاهنشاهی ایران، سلسله‌های باستانی ایران، بزرگان تاریخ ایران و نقش سلسله پهلوی در توسعه همه‌جانبه کشور و نظایر آن چاپ شد. با تلاش‌ها و پیگیری‌های نهادهای فرهنگی حکومت محمدرضا شاه در عرصه بین‌المللی، مؤسسه ایتالیایی خاور دور به یادبود و افتخار کوروش کبیر و به مناسبت دوهزار پانصدمین سال تأسیس شاهنشاهی ایران مسابقه بین‌المللی برای نگارش مقاله در مورد امپراتوری هخامنشی با عنوان «پیدایش امپراتوری هخامنشی و تأثیر آن در مذهب، تاریخ، هنر و آیین سلطنت و کشورداری سایر امپراتوری‌ها برگزار کرد...» (بزم اهریمن؛ جشن‌های دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی به روایت اسناد و دربار، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۵). در بخش تألیف، ترجمه و چاپ کتاب درباره تاریخ و تمدن هخامنشی، نیز تلاش و کوشش‌های داخلی و خارجی زیادی انجام شد: «ترجمه کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی به زبان فارسی فعلی به وسیله محمد معزی رئیس دفتر فرهنگی، تألیف تاریخ تمدن هخامنشی در پنج جلد توسط علی سامی، کتاب کوروش‌نامه به قلم عباس خلیلی ترجمه شده، کتاب کوروش حکمران جهان به وسیله مهندس طاهر بهزادزاده از زبان آلمانی به فارسی ترجمه شده، دو کتاب کتیبه‌های هخامنشی و کتاب کوروش تا زمان اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی به قلم محمود رجا نوشته شد» (جشن‌های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، شماره سند ۳۴۰۰: ۳۷۸/۱). در زمینه چاپ کتاب

برای معرفی تمدن هخامنشی در مجامع بین‌المللی با رایزنی‌های فرهنگی دولت پهلوی دوم «اتحادیه فرهنگستان‌های بیست و هفت کشور جهان در بروکسل اعلام کردند که طرح تدوین و چاپ فرهنگ علمی بزرگی را با همکاری دانشمندان متخصص از متن کتیبه‌های مختلف هخامنشی و ترجمه و تفسیر جامع آنها به چند زبان را در برنامه خود قرار داده است» (شفا، ۱۳۶۴: ۲۰۴۲/۵). در این میان چاپ و ترجمه کتاب و مقاله در مورد بنیان‌گذار سلسله هخامنشی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. بر همین اساس با حمایت و پیگیری‌های دولت پهلوی «کتاب کوروش بزرگ به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و ایتالیایی منتشر شد» (متما، شماره سند ۱۷۱-۲-۲-۱۰۴-۱۰۷ الف: بی‌تا). کشور ایسلند نیز جهت همکاری با دولت پهلوی برای برجسته کردن تمدن هخامنشی «کتاب کوروش کبیر در حماسه‌های ملی ایسلند را چاپ کرد» (شفا، ۱۳۶۴: ۲۰۵۵/۵). در رایزنی‌هایی که با آمریکایی‌ها انجام شد برای بزرگداشت مقام و منزلت امپراتور هخامنشی قرار شده بود: «یک سلسله‌مقالات توسط دانشمندان ایرانی و آمریکایی درباره مباحث مختلف تمدن هخامنشیان مخصوصاً راجع به شخصیت آزادی‌بخش کوروش کبیر تهیه و طبع شود و به زبان‌های مختلف ترجمه گردد» (جشن‌های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، شماره سند ۳۷۹۶: ۱/ ۲۱۲). نمونه‌ها ذکر شده تنها بخشی از کتب و مقالات تألیف و ترجمه‌شده مربوط به ایران باستان و هخامنشیان در دولت پهلوی دوم بوده است. بنابراین می‌توان گفت با توجه به اهمیت کتاب در مجامع علمی، آموزشی و فرهنگی هر جامعه، حکومت محمدرضا شاه پهلوی این عرصه را فضای مناسب و تأثیرگذاری برای ترویج و اشاعه تفکرات هخامنشی‌گرایی خود تشخیص داده بود و در این زمینه کوشش‌ها و تلاش‌های جدی را انجام داد.

ابداع تقویم شاهنشاهی با مبدأ هخامنشی

اقدام فرهنگی دیگر محمدرضا شاه پهلوی که نشان‌دهنده توجه او به دوره هخامنشی بود، تغییر تقویم ایران از هجری شمسی به شاهنشاهی بود. وی در این اقدام تقویم شمسی را که جنبه دینی برای ایرانیان داشت و مبدأ آن هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه بود حذف، و تقویم شاهنشاهی را که مبدأ آن سالروز تاج‌گذاری کوروش بزرگ هخامنشی (۵۵۹ ق.م) بود، جایگزین آن کرد. شاه در میان پیشنهادهایی که برای تغییر تقویم به وی ارائه شد، سال تاج‌گذاری کوروش را انتخاب کرد. در همین راستا در جلسه مشترک مجلسین شورای ملی و مجلس سنا در تاریخ ۱۳۵۴/۱۲/۲۴ش لایحه تغییر تقویم تصویب شد. در مورد مزایای این اقدام در بیانیه مشترک مجلس آمده است: «تصمیم تاریخی مجلس مبنی بر انتخاب تقویم شاهنشاهی با مبدأ جلوس نخستین شاهنشاه ایران بر اریکه سلطنت، باعث شد تا تمدن ما که در زوایای تاریخ غرب پنهان بود، به منصه ظهور برسد و سرزمین ما از هویت تاریخی ملی و علمی برخوردار گردد» (مبدأ تاریخ شاهنشاهی، ۱۳۵۵: ۴-۷). با انتخاب تقویم شاهنشاهی به جای تقویم شمسی «تنها تغییری که در تقویم‌ها و تاریخ‌ها پدید می‌آمد، اضافه کردن عدد ۱۱۸۰ به کلیه تاریخ‌های شمسی هجری بود. هیچ نوع تغییری در تاریخ‌های هجری قمری و یا میلادی داده نمی‌شد» (ساکما، شماره سند ۸۷۲۰-۲۲۰: بی تا). محمدرضا شاه در مورد فلسفه تغییر تقویم از مبدأ اسلامی به ایران آریایی، علاقه و دل‌بستگی خود و خاندانش را به ایران، دلیل این اقدام عنوان کرده و گفته بود: «من اعلام می‌دارم که ما، خاندان پهلوی، هیچ عشق دیگری را جز ایران در دل نمی‌پرورانیم و هیچ شوری جز بزرگی ایرانیان در سر نداریم و هیچ وظیفه‌ای را جز خدمت به کشور و ملت نمی‌شناسیم» (کیهان بین‌المللی، ۱۹۷۶: ۴). وی در سخنرانی خود برای مجلس سنا و شورای ملی در سال ۱۳۵۴ش در زمینه حذف تقویم شمسی از جامعه ایران گفت: «تاریخ طولانی کشور ما شاهد هجوم‌های فراوان خارجی بوده که طبعاً هر اشغالی ... یادگارهای شومی را به جای گذاشت است ... ملت ما مصمم است ... تمام آثار انحطاط، ضعف و زبونی گذشته را به دست فراموشی بسپارد... و هر آنچه را که ...

شایسته فرهنگ ایران نیست را کنار بگذارد...» (بیانات اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی، هنگام افتتاح هفتمین دوره تقنینیه مجلس سنا و بیست و چهارمین دوره مجلس شورای ملی، ۱۷/ ۶/ ۱۳۵۴). محمدرضا شاه پهلوی و مشاوران وی ازجمله شجاع‌الدین شفا استدلال می‌کردند که «تقویم هجری شمسی نه یک تقویم ایرانی است، و نه یک تقویم مذهبی؛ زیرا در زمان معتضد خلیفه عباسی وضع گردید و سال‌ها بعد توسط غازان‌خان و سلطان جلال‌الدین اصلاح شده است و در اواخر دوره قاجاریه در ایران معمول گشت» (ساکما، شماره سند ۸۷۲۰-۲۲۰: بی‌تا). آنها همچنین معتقد بودند تاریخ ایران بسیار طولانی‌تر از تقویم شمسی است و از آنجایی که تقویم شمسی ظرفیت محاسبه عمر کهن تاریخ و تمدن ایران را ندارد، ایرانیان مجبورند برای محاسبه تاریخ باستانی خود به تقویم میلادی روی آورند. بنابراین بخش بزرگی از عمر شناسنامه‌ای ملت تاریخی ایران، در تقویم شمسی نادیده گرفته می‌شود. محمدرضا شاه با ابداع گاهشماری شاهنشاهی با ریشه ایرانی از یک سو به مبارزه با فرهنگ اسلامی ایران روی آورد و تلاش داشت تا در مسئله تقویم نگاه‌ها را از پیامبر اسلام به سمت کوروش متمایل کند و بنیان‌گذار شاهنشاهی ایران را جایگزین پیامبر اسلام کند و از سوی دیگر وی با ردّ تقویم میلادی که در بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقایی همانند هند، ژاپن، ترکیه، پاکستان و... رواج پیدا کرده بود، می‌خواست عظمت و قدمت تاریخ ایران را به رخ جهان غرب بکشد و در این راستا بر داشته‌های فرهنگی ایران تأکید کند. با همه این دلایل و تفاسیر باید گفت شاه و مشاوران باستان‌گرایی عواقب این اقدام نسنجیده و عجله‌ای را، که بدون در نظر گرفتن شرایط تاریخی و دینی جامعه آن روز ایران انجام شده، متوجه نبودند؛ چرا که تغییر نماد اسلامی به شاهنشاهی برای جامعه مسلمان آن روز ایران غیرقابل پذیرش بوده است.

نتیجه‌گیری

باستان‌گرایی یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های مسلط در حکومت پهلوی اول و دوم برای ساخت دولت-ملت مدرن ایران بوده است. محمدرضا شاه پهلوی که از شهریور ماه ۱۳۲۰ ش قدرت را به دست گرفت با رویکردی نوین و جدی‌تری به‌ویژه در دو دهه پایانی حکومتش برنامه‌های باستان‌گرایی پدرش را ادامه داد. او از میان دوره‌های تاریخی ایران باستان بنا به انگیزه‌های گوناگون توجه و علاقه بیشتری به دوره هخامنشی نشان داد و در راستای این علاقه فعالیت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های مختلفی را اجرا کرد، که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این سیاست‌ها در عرصه فرهنگی رخ داده بود. مهم‌ترین نمودهای فرهنگی هخامنشی‌گرایی حکومت پهلوی دوم در عرصه‌هایی همچون به‌کارگیری هنر برای بازآفرینی، تبلیغ و ساخت و طراحی آثار و نمادهای هخامنشی؛ نام‌گذاری هخامنشی بر روی مکان‌ها، سال‌ها و رویدادها، برگزاری نمایشگاه‌ها، کنگره‌ها، مسابقات و جشن‌ها در عرصه داخلی و خارجی در مورد هخامنشیان؛ تألیف، ترجمه و چاپ کتاب و مقاله در مورد هخامنشیان و در آخر ابداع تقویم شاهنشاهی با مبدأ هخامنشی بروز و ظهور کرد. گفتنی است از آنجایی که عرصه فرهنگ تأثیرگذارترین ابزار و شیوه برای پیشبرد و گسترش ایدئولوژی مدنظر دولت‌ها در لایه‌های مختلف جامعه است، محمدرضا شاه پهلوی و کارگزاران فرهنگی وی با اهداف و انگیزه‌های مختلفی همچون هویت‌سازی برای ایرانیان براساس تمدن باستانی، ضدیت با فرهنگ اسلامی ایران، پیوند زدن خود به هخامنشیان و استفاده از عظمت و خوش‌نامی آنها برای کسب وجهه بین‌المللی و مشروعیت و مقبولیت داخلی به احیا و ترویج تاریخ و تمدن هخامنشی پرداختند. درمجموع باید گفت محمدرضا شاه پهلوی با برکشیدن تاریخ و تمدن ایران باستان و در رأس آن دوره هخامنشی قصد بنیان‌گذاری هویتی مبتنی بر داشته‌های باستانی برای ایرانیان را داشت و کوشید تا بسیاری از مظاهر فرهنگ اسلامی را که به قول خودش یادگار حمله اعراب مسلمان به ایران بوده پاک‌سازی کند و ایرانیان را نسبت به فرهنگ و سنن کهن خود آگاه سازد. از سویی دیگر، با توجه به خوش‌نامی و محبوبیت

هخامنشیان در پایه‌گذاری اندیشه‌های انسانی و بشردوستانه در جهان باستان و تکریم و تحسین این اندیشه و افکار از سوی ملت‌های مختلف جهان معاصر، محمدرضا شاه قصد داشت با فعالیت‌ها و اقدامات گوناگون فرهنگی در مجامع داخلی و خارجی، خود و سلطنتش را تداوم‌دهنده ارزش‌ها و اندیشه‌های هخامنشی در جهان پر از تنش آن روزگار معرفی کند و از این راه برای خود و خاندانش وجهه بین‌المللی کسب کند و جایگاه ایران را در مناسبات جهانی با ایجاد پلی با دوره هخامنشی ارتقا دهد.

کتابنامه

الف) اسناد

مراسان (مرکز اسناد انقلاب اسلامی) سند شماره بازیابی ۲۶۷، کد پرونده ۴-۱۲۱۲۹، ۱/۱/۱۳۵۰، صص ۲۴۶.

متما (مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)، سندهای شماره ۱۷۱-۲-۲-۱۰۴-۱۰۷، ۴۱۲۴.

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، شماره سند ۸۷۲۰-۲۲۰.

بیانات اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی، هنگام افتتاح هفتمین دوره تقنینیه مجلس سنا و بیست و چهارمین دوره مجلس شورای ملی، ۱۷/۶/۱۳۵۴.

حدیدی، مختار، نگاهی به اسناد محرمانه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی؛ پهلوی دوم و نمونه اندیشه‌های باستان‌گرایانه، سند شماره ۲۶، ۱۲/۸/۱۳۴۷، صورت مجلس کمیسیون برنامه و تشریفات، تاریخ معاصر، شماره ۵، ۱۳۷۷.

جشن‌های دوهزار پانصدساله به روایت اسناد ساواک و دربار، سندهای شماره ۳۴۰۰، ۴۶۶۸۹،

۷۸۷۱، ۳۱۴، ۴۰۸۴/۴۱۱۱، ۴۳، ۳۷۹۶

جشن‌های دوهزار پانصدساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و دربار، ج ۱ و ۲ و ۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷.

مراسان (مرکز اسناد انقلاب اسلامی) شماره ۵، ۲۵، ۲۷، ۳۹، در عامری، صغری، باستان‌گرایی در دوره پهلوی با تکیه بر جشن‌های ۲۵۰۰ ساله به روایت اسناد، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵.

ب) کتاب

اکبری، محمدعلی، رویکرد غرب‌گرایان به نوسازی ایران، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۵.

الموتی، مصطفی، ایران در عصر پهلوی، لندن: چاپ پکا، ۱۳۷۰.

بنی‌احمد، احمد، راهنمای تاریخ شاهنشاهی ایران، تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی، ۱۳۵۴.

بنکدار، حسین، «سخنان اشرف در مورد جشن شاهنشاهی»، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۵۱۴، چهارشنبه ۱۹ خرداد.

پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، مترجم حسین ابوتراییان، تهران: انتشارات زریاب، ۱۳۹۶.

پهلوی، محمدرضا، به‌سوی تمدن بزرگ، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ۱۳۷۱.

پهلوی، محمدرضا (بی‌تا)، مأموریتی برای وطنم، تهران: چاپخانه ارتش.

پهلوی، فرح، کهن دیارا؛ خاطرات، بی‌جا: فرزاد: بی‌تا.

حسینیان، روح‌الله، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (۱۳۵۶_۱۳۴۳ش)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

ساتن، الول پی، رضاشاه کبیر یا ایران نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری، تهران: علمی، ۱۳۳۷.

ضیا ابراهیمی، رضا، پیدایش ناسیونالیسم ایرانی نژاد و سیاست بی‌جاسازی، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۶.

فالاجی، اوریانا، گفت‌وگوی اوریانا فالاجی با محمدرضا شاه پهلوی، غلامرضا امامی، بی‌جا، افق، ۱۳۸۹.

شفا، شجاع‌الدین، گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ج ۵، بی‌تا: بنیاد مطالعات ایران.
کاتم، ریچارد، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۱.
مک کی، ساندرا، ایرانی‌ها؛ ایران، اسلام و روح یک ملت، ترجمه شیوا رویگریان، تهران: ققنوس، ۱۳۸۰.

مبدأ تاریخ شاهنشاهی، تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵).
هوشنگ، نهاوندی، آخرین روزهای؛ پایان سلطنت و درگذشت شاه، مترجم بهروز صوراسرافیل و مریم سیحون، لس‌آنجلس: شرکت کتاب، ۱۳۸۳.

Suren_paha, Cyprus the great the father 8, liberator fromwww.cais
_sons.com, 1999.

چ) مقالات و نشریات

- روزنامه اطلاعات، ۱۷ مهرماه، ۱۳۵۰، شماره ۱۳۶۱۷، ص ۴.
روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۶۱۱، ۱۳۵۰، ص ۱.
روزنامه رستاخیز، ۱۸ / ۷ / ۱۳۵۶.
روزنامه تاریخ شاهنشاهی ایران، شماره ۲۴۰، ص ۹۵۷.
روزنامه آیندگان، ۱ مهرماه ۱۳۵۰، سال چهارم، شماره ۱۱۳۹، ص ۹۵۷.
روزنامه بهار ایران، ۲۹ مهر ۱۳۵۰، شماره ۲۴۰۸، ص ۱۰.
روزنامه ندای ایران زمین، شماره ۱۶۰۵، ۲۴ / ۳ / ۱۳۵۰، ص ۸.
روزنامه آیندگان، شماره ۱۱۳۹، سال چهارم، ۱ / ۷ / ۱۳۵۰، ص ۹.
روزنامه جشن شاهنشاهی ایران، شماره ۶۳، ۱۳۵۰، ص ۴.
سالنامه دنیا، مهمانان جشن دوهزارپانصدساله، سال پنجم، شماره ۲۸، ۱۳۵۰.

کیهان بین‌المللی، شماره ۲۳، مارس ۱۹۷۶، ص ۴.

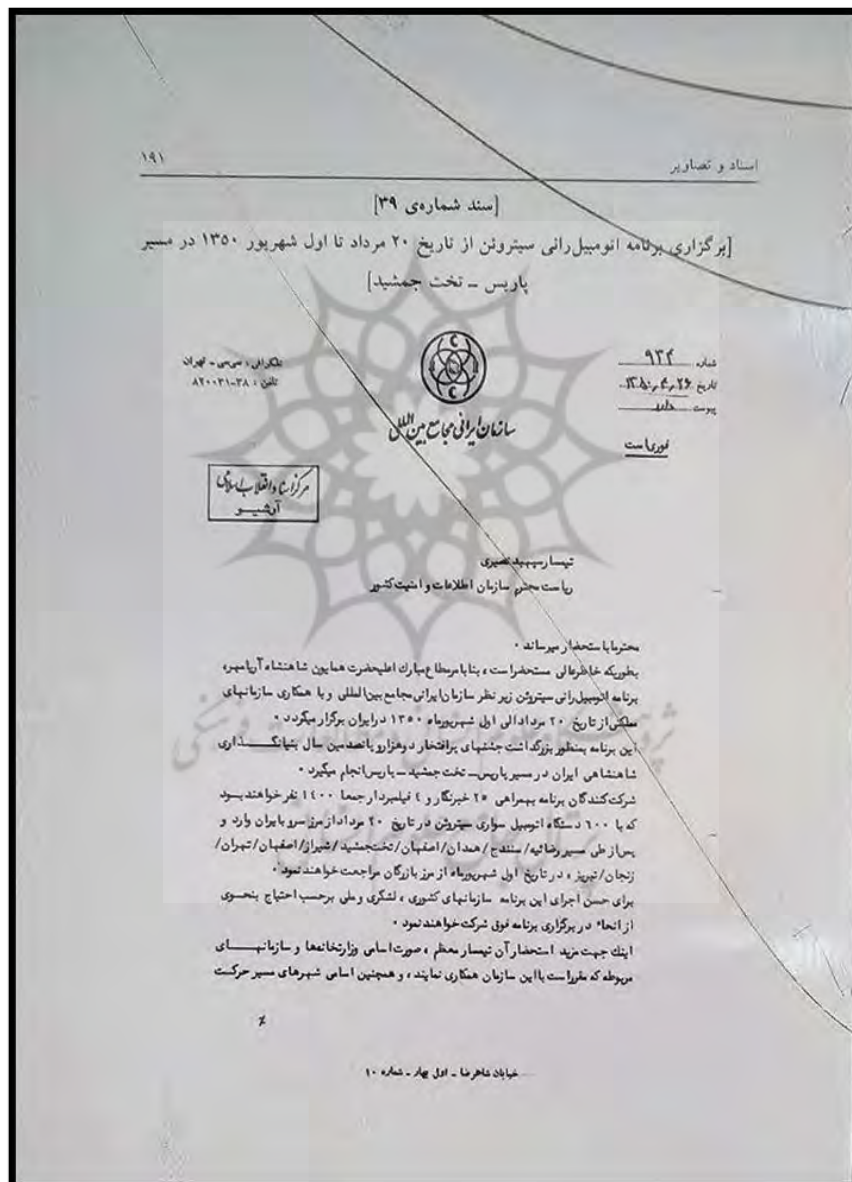
گزارش کامل برنامه‌های کار کشورهای مختلف جهان در مورد برگزاری جشن دو و هزار و پانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران، فهرست اعضای کمیته‌های جشن‌های شاهنشاهی در کشورهای جهان، برنامه‌های مربوط به جشن شاهنشاهی در کشورهای مختلف جهان و سازمان‌های

بین‌المللی، نشریه کمیته امور بین‌الملل جشن شاهنشاهی ایران، تهران، ۱۳۵۰

مجله خواندنی‌ها، ۲۴ مهر ۱۳۵۰، سال سی و دوم، شماره ۹، ص ۱۱.



بازآفرینی نمادین چاپخانه‌های دوره هخامنشی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی